

مؤدیس آچ یلاسک
ماری او سولویان
ترمیمه:
ممسن ملاجی
دانشجوی دکترای مدیریت و
برنامه‌ریزی تربیت بدنی

صور متفاوت یکپارچه سازی

مفهوم «برنامه‌ی درسی یکپارچه» در مدارس، در ادبیات آموزشی دارای پیشینه‌ای از ابتدای قرن بیستم است که امروزه توجه بیشتری به آن می‌شود. انتقادهای زیادی از سوی مدارس دولتی در طول دهه‌ی گذشته به گوش می‌رسد و شاهد درخواست آن‌ها مبنی بر افزایش توسعه به یکپارچه‌سازی دروس هستیم. این‌گونه مدارس در جست‌وجوی راه‌هایی برای تأمین نیازهای دانش‌آموزان هستند. مدارس، و در بعضی شرایط، ادارات آموزش و پرورش ایالتی، نیاز به برنامه‌ی درسی یکپارچه دارند. فشار و تأکید بر آموزش یکپارچه یا تلفیقی، شاید به علت عمومی شدن مدارس راهنمایی و فلسفه‌ی آن‌ها باشد که خواهان تشکیل گروه‌هایی به منظور تلفیق و یکپارچه‌سازی محتوای دروس ریاضی، علوم، زبان، هنر و علوم اجتماعی است.

یکپارچه‌سازی موضوعات درسی و یا تمامی برنامه‌ی درسی به چه معنی است؟ در حالی که سطوح متفاوتی از یکپارچه‌سازی امکان‌پذیر است [فوگرتی، ۱۹۹۱]، یک برنامه‌ی درسی یکپارچه شده‌ی صحیح، صرفاً بیش از مرتبط کردن یک یا چند موضوع درسی به منظور دنبال کردن یک عنوان ویژه، اهمیت دارد. تلفیق و یکپارچه‌سازی واقعی خیلی دشوار است، زیرا همانندی‌های موضوعات درسی، هم چون ریاضی و انگلیسی واضح نیست و در این مورد ابهام وجود دارد. از این رو مواد آموزشی تجدید

ساختار شده، سازمان‌دهی جدیدی از مفاهیم و روش‌شناسی را می‌طلبند. [کلین، ۱۹۹۰]. فوگرتی (۱۹۹۱) اظهار می‌دارد که هم در درون موضوعات و هم بین موضوعات درسی به منظور ایجاد یک برنامه‌ی درسی کامل، باید یکپارچگی به وجود آید.

چه شکلی از یکپارچگی درس تربیت بدنی را می‌توان در مدرسه فرض کرد؟ پیش از در نظر گرفتن این پرسش، ابتدا لازم است پرسیم: «به منظور دستیابی به یک برنامه‌ی درسی یکپارچه، برنامه‌ی درسی استاندارد یا سنتی به چه دست کارها و تغییر ساختارهایی نیاز دارد؟ به طور سنتی چنین معمول است که در برنامه‌ی درس تربیت بدنی، بر آموزش حرکات پایه، بازی‌ها، ورزش و آمادگی جسمانی تأکید می‌شود. این برنامه‌ها محور یادگیری مهارت‌های حرکتی دانش‌آموزان هستند و در موقعیت‌های بازی و ورزش می‌توانند مورد استفاده‌ی دانش‌آموزان قرار گیرند.

اگر محتوای برنامه‌های سنتی مبنای قرار گیرد، یکپارچه‌سازی و ایجاد یگانگی درون درس تربیت بدنی و بین این درس با سایر موضوعات درسی، چه مفهومی خواهد داشت؟ دو شکل از یکپارچه‌سازی در این راه مناسب به نظر می‌رسند: یکپارچه‌سازی درونی (یکپارچه‌سازی و بعضاً تلفیق در درون حوزه‌ی تربیت بدنی) و یکپارچه‌سازی خارجی (یکپارچه‌سازی و ایجاد یگانگی با سایر

موضوعات و مواد درسی).

یکپارچه سازی درونی

در طول ۳۰ سال گذشته، دانش پایه در تربیت بدنی به طور چشم‌گیری افزایش یافته است؛ زیرا برنامه‌ی درسی تربیت بدنی در آموزش عالی، تغییرات بسیار سریعی را تجربه می‌کند. امروزه معلمان ترغیب می‌شوند که در دوره‌های آموزشی شرکت کنند و آن‌ها می‌توانند در دوره‌ها و زمینه‌های تخصصی، همچون طب ورزشی، روان‌شناسی ورزشی و مدیریت ورزشی، آموزش خود را دنبال کنند. گرچه اکثر مدارس عالی تربیت بدنی، تغییرات به وجود آمده در دانش تربیت بدنی را منعکس نمی‌کنند، اما طوفان تغییرات می‌رود تا تربیت بدنی دوره‌های پیش دبستانی تا آخر دبیرستان را نیز در بر گیرد.

امروزه می‌توان، نمونه‌های متعددی از برنامه‌ی درس تربیت بدنی مدارس را مورد بررسی قرار داد و آن‌ها را با برنامه‌های سنتی که متکی به ورزش و بازی هستند، مقایسه کرد. نتیجه‌ی این مقایسه، وجود اختلاف فاحش بین برنامه‌های سنتی و برنامه‌های کنونی خواهد بود. در حالی که برنامه‌های سنتی غالباً شامل برخی موضوعات شناختی و عاطفی، هم چون قوانین و مقررات و استانداردها هستند، تمرکز برنامه‌های جدید در مدارس بر یادگیری موضوعاتی است که به کمک آن‌ها قصد دارند، بازیکنان شایسته‌ای در

درس تربیت بدنی

ورزش و سایر فعالیت‌های حرکتی بسازند. نمونه‌ای از این برنامه‌ها، «الگوی فعالیت‌های چندگانه و تعلیم ورزشی» است [سایدن‌تاپ، ۱۹۹۴].

در برنامه ریزی درسی یکپارچه، مفاهیم، مهارت‌های تعامل اجتماعی، مهارت‌های رشد فردی، یا مهارت‌های اندیشیدن، به شکلی آگاهانه انتخاب، و به طور خاصی به عنوان بخش مهمی از برنامه‌ی درسی آموزش داده می‌شوند. در چنین برنامه‌ای، معلمان می‌کوشند، به کمک یکپارچه‌سازی، فراتر از آموزش صرف مهارت‌های حرکتی، بازی‌ها، ورزش و آمادگی جسمانی گام بردارند [پلایسک، ۱۹۹۶]. مفاهیم آمادگی جسمانی، هم‌چون ضربان قلب نشانده^۱، فرمول FIT، اصول حرکات کششی و توسعه‌ی برنامه‌ی آمادگی جسمانی شخصی را می‌توان براساس یکپارچه‌سازی آموزش داد.

تکامل مهارت‌های تعامل اجتماعی / فردی، از راه‌های متفاوت یکپارچه‌سازی میسر است، اما دو الگوی شناخته شده در این خصوص عبارت‌اند از: «آموزش ماجراجویی^۲ [راه‌سک، ۱۹۸۴] و آموزش مسئولیت‌پذیری در برابر خود و دیگران [هلیسون، ۱۹۸۵].

اگرچه تربیت بدنی مدعی است که می‌تواند، مهارت‌های اندیشیدن، هم‌چون مهارت حل مسئله و تفکر انتقادی را به دانش‌آموزان آموزش دهد، یادگیری این مهارت‌ها معمولاً

به متن برنامه‌ی یادگیری واگذار می‌شود؛ یعنی فرض را بر این می‌گیرند که چون دانش‌آموزان درگیر یادگیری هستند، خود به خود این موضوعات را هم می‌آموزند. در حالی که رویکرد حرکتی در تربیت بدنی دوره‌ی ابتدایی، آشکارا مهارت‌هایی هم‌چون مهارت حل مسئله را، با یادگیری حرکتی تلفیق می‌کند. آموزش آگاهانه و از روی برنامه، مهارت‌های تفکر و اندیشیدن، برای دوره‌ی راهنمایی موضوع نسبتاً

جدیدی است. مثال‌های دیگر در این زمینه عبارت‌اند از استفاده از راهبردهای ویژه‌ی آموزشی که مشوق تفکر و اندیشیدن هستند (مثلاً طرح پرسش‌های باز و بسته)، یا درج مطالب شناختی به عنوان بخشی از درس ورزش (مثلاً، دانش‌آموزان راهبردهای ویژه‌ی بازی‌ها را یاد بگیرند). و سرانجام، یک الگوی عام به منظور آموزش دانش‌آموزان در هر سطحی، برای فکر کردن درباره‌ی بازی‌هایی که می‌آموزند، «روش

پروژه‌گاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
رتال جامع علوم انسانی

تلاش در راه یکپارچه‌سازی به مذاکرات فراوان با استادان تربیت معلم و همکارانشان درباره‌ی نقش تربیت بدنی در مدارس و نقش استادان تربیت معلم در آموزش معلمان آینده‌نگر برای فرداهای مدارس نیاز دارد

تاکتیکی آموختن بازی‌ها» است [اسمیت، ۱۹۹۶؛ گریفین، ۱۹۹۶]. مثال‌های بیشتری را در خصوص یکپارچه‌سازی درونی مواد درس تربیت بدنی می‌توان در بسیاری از منابع یافت. از جمله، سال‌های متمادی است که آقای پلاسیک در نشریه‌ی «جوپرد»^۲، مقالات متعددی درباره‌ی محتوا و ایده‌های خاص آموزشی، برای معلمان ارائه می‌کند. در یک کتاب درسی معتبر و معروف نیز مطالبی برای کمک به آن دسته از معلمان که مایل به یکپارچه‌سازی درس خود هستند، منتشر نموده است.

بین (۱۹۹۰) عقیده دارد، یک برنامه‌ریزی درسی موضوعی که در آن موضوعات مربوط به رشد دانش‌آموزان و موضوعات اجتماعی مربوط به مردم، تلفیق شده باشند، می‌تواند تیرگی‌های مرزبندی بین

موضوعات را از بین ببرد و به نحو شایسته‌ای برنامه‌ریزی یکپارچه را به وجود آورد. موضوعاتی از قبیل «عدالت» (که با سؤالات جوانان راجع به مسئله‌ی قدرت در جامعه، قوانین و سنت‌های اجتماعی ارتباط دارد) و «هویت» (یعنی توسعه و تکامل هویت فردی و تنوع فرهنگی) از جمله موضوعاتی هستند که می‌توانند در قالب برنامه‌ی درسی تربیت بدنی تلفیق شوند. البته خود تربیت بدنی دارای نمونه‌هایی از برنامه‌های درسی موضوعی است، ولی این برنامه‌های درسی را نمی‌توان به طور گسترده و مورد قبول همگان به اجرا درآورد.

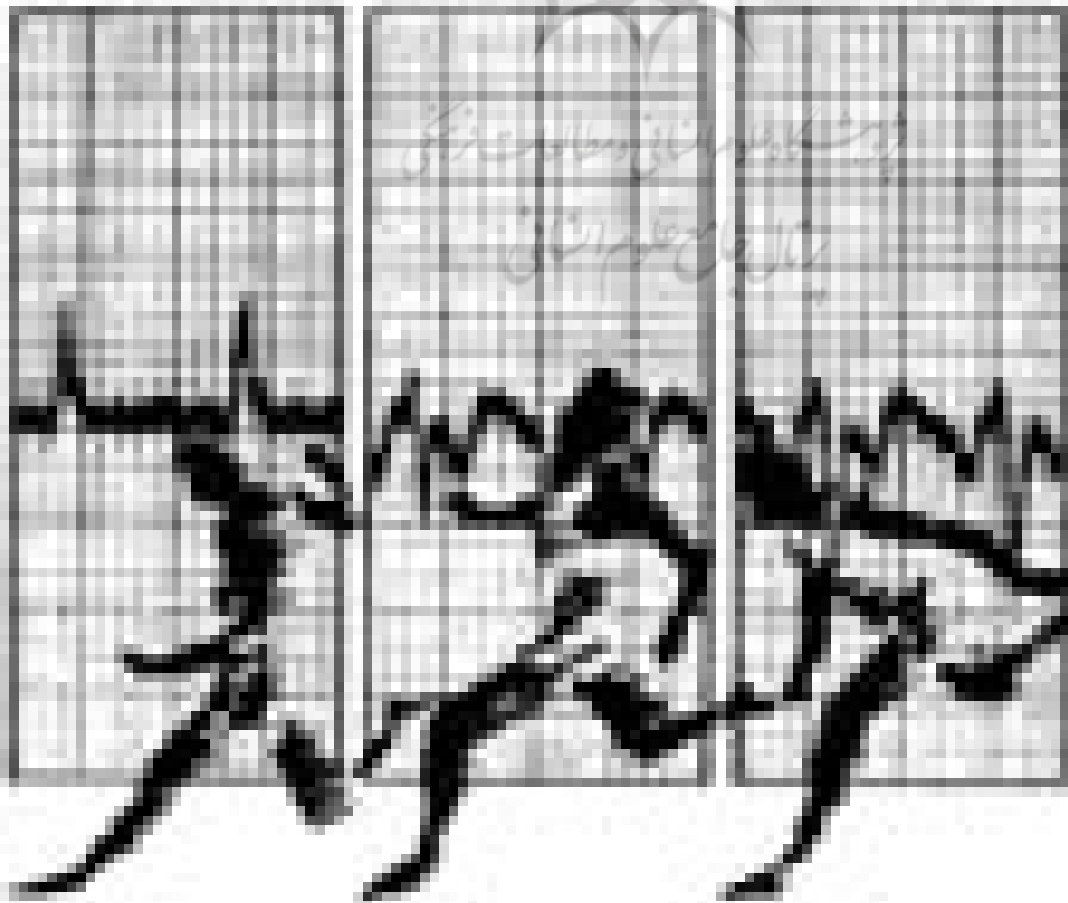
یکپارچه‌سازی بیرونی (خارجی)

یکپارچه‌سازی درسی تربیت بدنی با سایر درس‌ها، همچون ریاضی و علوم اجتماعی ممکن است به دو طریق صورت گیرد:

طریق اول، یکپارچه‌سازی و تلفیق محتوای درس تربیت بدنی با دیگر موضوعات است که به این منظور باید بدانیم، چه عنوان یا عنوان‌هایی را ممکن است بتوان با عنوان خاصی از درس تربیت بدنی به طور مناسب مرتبط کرد.

طریق دوم، تلفیق سایر موضوعات درسی با برنامه‌ی تربیت بدنی است، به منظور استفاده از ظرفیت‌های درس تربیت بدنی در آموزش مفاهیم و موضوعات درسی ریاضی، مهارت‌های زبانی، یا علوم اجتماعی.

در روش اول، معلمین می‌کوشند، برای درک بهتر مفاهیم درس تربیت بدنی، موضوعات درسی مناسب را تشخیص دهند و سپس آن‌ها را با درس تربیت بدنی مرتبط سازند. در حالی که در روش دوم، موضوع اصلی استفاده از ظرفیت‌های درس



تربیت بدنی برای درک بهتر مفاهیم و موضوعات سایر دروس است.

معلمین تربیت بدنی، درباره‌ی یکپارچه سازی عناوین تربیت بدنی با سایر موضوعات کمتر به نوشتن پرداخته اند. از این رو، در حال حاضر فضا برای اندیشیدن درباره‌ی یکپارچه سازی درس تربیت بدنی باز است و فرصت های زیادی برای ارائه‌ی ایده های نو وجود دارد.

بسیاری از ایده ها، دیدگاهی از تربیت بدنی شامل بازی ها، حرکات ریتمیک و فعالیت های ورزشی را توصیف می کنند تا امکان بیش تری برای تلفیق وجود داشته باشد. برای مثال، دو پیشنهاد جالب در این زمینه وجود دارد: یکی آموزش بازی ها و حرکات ریتمیکی که در دوران ها و فرهنگ های متفاوت رواج داشته اند (علوم اجتماعی)، و دیگری خواندن و نوشتن درباره‌ی عناوین و موضوعات ورزشی در درس مهارت های زبانی. ممکن است، برخی از پیشنهادات تخیلی به نظر برسند، در حالی که چنین نیست و برنامه نویسان می توانند، از ظرفیت های تربیت بدنی حتی در آموزش عناوینی هم چون: آموزش مسائل محیطی، ساخت بنا، و سفالگری به نحو شایسته ای استفاده ببرند. برای مثال، سهم تربیت بدنی در درس سفالگری، مهارت های دستی کار با گل است! [کانتس، ۱۹۷۶].

معلمین تربیت بدنی، درباره‌ی راه های استفاده از تربیت بدنی به منظور کمک به دانش آموزان در یادگیری سایر دروس، مطالب زیادی نوشته اند. براساس این نوشته ها، مهارت های زبانی، ریاضی، علوم، جغرافیا، تاریخ، علوم اجتماعی، هنر، سلامتی

[بهداشت]، موسیقی و زیست شناسی را می توان در کلاس درس تربیت بدنی آموزش داد. بسیاری از این پیشنهادات به تلفیق درس تربیت بدنی سنتی با موضوعات فوق اشاره دارند. به عنوان نمونه، مفاهیم ریاضی را می توان از طریق درس آمادگی جسمانی بهتر درک کرد. مفاهیم علوم، هم چون پرواز اجسام در هوا را می توان از طریق پرتاب تیر از کمان، و قوانین حرکت نیوتنی را می توان از طریق ورزش ژیمناستیک انتقال داد. پیشنهاد ملموس برای علوم اجتماعی، آموزش بازی ها و رقص های مربوط به مناسبت های دوران گذشته و با فرهنگ های متفاوت است.

به نظر می رسد که بسیاری از ایده ها، به شکلی واقعی و صحیح قابل تلفیق و یکپارچه سازی نیستند. به این منظور به تغییرات بنیادی در ساختار برنامه‌ی درسی نیاز داریم. دوختن چند محتوای درسی مجزا را به هم نمی توان تلفیق یا یکپارچه سازی تلقی کرد. یا حتی ممکن است نتوان محتوای درس تربیت بدنی را با هر درسی تلفیق کرد، ولی به هر حال، محققان می کوشند این کار را به هر طریق ممکن صورت دهند.

پیچیدگی های برنامه ریزی درسی یکپارچه برای معلمان و مدارس

برنامه های یکپارچه با برنامه های کنونی در مدارس، متفاوت هستند. اینک لازم است بدانیم فواید و مشکلات اتخاذ برنامه ریزی درسی یکپارچه، چه به شکل درونی و چه به شکل بیرونی چیست؟ پلامیک (۱۹۹۵)، پاسخ های گروهی از معلمین ابتدایی و راهنمایی را که در یک

کارگاه برنامه ریزی درسی یکپارچه شرکت کرده بودند و از آن ها خواسته شده بود، از مهم ترین مزایا و مشکلات مهم برنامه‌ی درسی یکپارچه سخن بگویند، می توان بررسی و دسته بندی کرد. معلمین مزایا و فواید یکپارچه سازی را به قرار زیر ذکر کرده بودند:

● دانش آموزان از یادگیری غنی شده سود می برند.

● دانش آموزان یاد می گیرند که تربیت بدنی و سایر موضوعات درسی به هم مرتبط هستند.

● تربیت بدنی برای دانش آموزان صرفاً به عنوان بازی معرفی نمی شود، بلکه تلفیقی از تربیت بدنی توسعه می یابد و از آن به عنوان یک درس یاد می کنند.

● معلمین فرصتی پیدا می کنند که این طریق، آموزش خود را به طور گروهی ارائه کنند.

هم چنین، آن ها مشکلات یکپارچه سازی را این گونه بیان کرده بودند:

۱. معلمین و مدیران مدرسه نسبت به تغییر برنامه‌ی درسی سنتی به برنامه‌ی درسی یکپارچه تمایلی ندارند.

۲. دانش آموزان در برابر ارائه برنامه‌ی درسی یکپارچه مقاومت می کنند.

۳. زمان برای پرداختن به فعالیت های حرکتی (به عنوان جزء اصلی برنامه‌ی درسی تربیت بدنی) کاهش می یابد.

۴. معلمان مجبور به افزایش دانش و اطلاعات خود هستند.

۵. معلمان زمان کافی برای اختصاص به برنامه ریزی درسی یکپارچه در اختیار ندارند.

۶. اجرای این گونه برنامه ها به

منابع مادی برای تهیه‌ی کتاب و سایر وسایل مورد نیاز تدریس که قبلاً وجود نداشته‌اند، نیاز دارد.

اگرچه نظرات معلمان درباره‌ی فواید و مشکلات برنامه‌ریزی درسی یکپارچه مبتنی بر حدس و پیش‌بینی بود، اما آن دسته از کارکنان مدرسه و دانشگاه که در جهت ایجاد چنین برنامه‌هایی تلاش کرده‌اند، نظرات معلمان را از پیچیدگی‌های توسعه و اجرای برنامه‌ی درسی یکپارچه تصدیق می‌کنند. سه معلم دبیرستانی و دو کارآموز تدریس، به کمک هم به تجدیدنظر علمی در برنامه‌ی تربیت بدنی در سه مورد دست زدند. آن‌ها به توسعه، اجرا و ارزشیابی یک برنامه‌ی تلفیق شده از مطالعات ورزشی اقدام کردند. در این برنامه، دانش‌آموزان دبیرستان شرح حال زندگی ورزشی خود، بررسی پیشینه‌ی ورزشی دبیرستانی‌شان و بالاخره نقش ورزش در جامعه‌ی امروز را منعکس می‌کردند. تجربه‌ی آن‌ها، بسیاری از موضوعات مورد نظر معلمان شرکت‌کننده در کارگاه را تأیید کرد. اجرای این نوع برنامه‌های درسی ورزشی نیازمند انرژی فراوانی است که معلمان باید برای مقابله با مقاومت‌های دانش‌آموزان صرف کنند.

نمونه‌های دیگر از مشکلات و پیچیدگی‌های طراحی و اجرای یک برنامه‌ی درسی یکپارچه، در خلال تجربه‌ی دبیرستان «بیچکروفت» در کلمبوئوت اوهایو مشخص شده است. مدیران، هیأت علمی، و کارکنان دبیرستان، مدت زمان قابل توجهی را صرف تفکر درباره‌ی این موضوع کردند که چگونه می‌توانند، دانش‌آموزان را به‌طور شایسته‌تری آموزش و پرورش دهند. آن‌ها به این

نتیجه رسیدند که تربیت بدنی می‌تواند، به شکل ویژه و بامعناتری به آن‌ها کمک کند. آن‌ها سه طرح را به شرح زیر به اجرا گذاشتند:

● **طرح یادگیری ماجراجویانه محور:** در این طرح کوشش می‌شود، دانش‌آموزان تفکر انتقادی، مهارت حل مسئله، ریسک‌پذیری، اعتماد به دیگران و تعاون و هم‌یاری در کلاس‌های تربیت بدنی و سایر دروس را یاد بگیرند.

● **طرح کشف مشاغل و آشنایی با آن‌ها:** در این طرح، بین مشاغل مرتبط با تندرستی، ورزش، تفریحات سالم و سایر مشاغل مرتبط با حوزه‌ی پزشکی، و موضوعات درسی تغذیه‌ی ورزشی، آمادگی جسمانی، نتوگرافی ورزشی، روان‌شناسی ورزشی و مدیریت ورزشی، ارتباط برقرار می‌شود.

● **طرح پرورش (تربیت):** هدف از اجرای این طرح، تشکیل گروه‌های آماده برای اشتغال، و نیز شناخت مسائل مربوط به شغل معلمی، یادگیری هم‌یاری و تعاون، راهنمایی کردن گروهی به منظور افزایش موفقیت تحصیلی است.

دو مؤلفه‌ی سلامت و تربیت بدنی، از برنامه‌ی درسی گسترده‌ی مدرسه بیچکروف، مثالی از یکپارچه‌سازی درونی زیر عنوانین محتوای درس تربیت بدنی، و یکپارچه‌سازی بیرونی با کمک معلمین بهداشت، زیست‌شناسی، تجارت و پرستاری است. اولین برنامه‌ی درسی، مربوط به ارائه‌ی دانش و کسب مهارت در زمینه‌های تندرستی، آمادگی جسمانی و تفریحات سالم است که به دانش‌آموزان به‌منظور پذیرش نقش‌های اجتماعی آینده و

مسئولیت‌پذیری در برابر انجام تکالیف در مدرسه، در دانشگاه و در تمام زندگی کمک می‌کند. تلفیق آموزش مفاهیم ماجراجویانه، از قبیل حل مسئله، ریسک‌پذیری و اعتماد و تعاون و همکاری، با سایر برنامه‌های دبیرستان بیچکروف، به منظور تکمیل برنامه‌های درسی این دبیرستان صورت می‌گیرد. این تجربه نشان می‌دهد، گرچه برنامه‌های یکپارچه را می‌توان به اجرا گذاشت، اما هزینه‌های مربوط به صرف زمان و تلاش کارکنان در مدرسه و دانشگاه بالا خواهد بود.

مشکلات معلمان و واحدهای تربیت بدنی

بروز نگرش‌های خاص در مدارس و ادارات تربیت بدنی دانشگاه‌ها، آن‌ها را با دشواری‌های زیادی در کمک به آن دسته از معلمین مواجه ساخته است که درصدد تغییر مرزها و محدودیت‌های سنتی برنامه‌ی تربیت بدنی مدارس هستند. درحالی‌که اعضای هیأت علمی دانشگاه‌ها در زمینه‌های مرتبط با تندرستی، تفریحات، و علوم ورزشی به فعالیت‌هایی در زمینه‌ی یکپارچه‌سازی برنامه‌ی درسی مبادرت می‌کنند، هم‌زمان معلمانی هم در مدارس مشغول چنین اقداماتی هستند، اما هیچ‌کدام از آن‌ها دوره‌های آموزشی مشترکی را که برای آن‌ها فرصت تعامل نظرات را به وجود می‌آورد، نگذرانده‌اند. بنابراین، امکان اجرای چنین برنامه‌هایی در تمام مدارس وجود ندارد.

برای آمادگی بیشتر معلمانی که در باب طراحی و آموزش برنامه‌ی درسی یکپارچه دانش کافی ندارند، ضروری است که معلمین تربیت بدنی و اعضای



تربیت بدنی، معلمان سایر درس‌ها، اعضای هیأت علمی، درباره‌ی امکان یکپارچه‌سازی برنامه‌های تربیت بدنی برای کودکان و نوجوانان و جوانان چگونه می‌اندیشند؟ مستندات نشان می‌دهند که معلمان به گونه‌ی متفاوت درباره‌ی موضوعات درسی می‌اندیشند و برای تلفیق آن‌ها به‌منظور انتقال بهتر مفاهیم، خود را به چالش می‌کشند.

آیا باور داریم که الگوهای یکپارچه‌سازی تربیت بدنی که در این مقاله بدان‌ها اشاره شده است، دارای محتوای اصلی درس تربیت بدنی هستند؟ اگر این‌گونه است، آیا متعهد می‌شویم که اعضای هیأت علمی و استادان تربیت معلم را برای انعکاس این باورها مجاب کنیم؟ تلاش در راه یکپارچه‌سازی به مذاکرات فراوان با استادان تربیت معلم و همکارانشان درباره‌ی نقش تربیت بدنی در مدارس و نقش استادان تربیت معلم در آموزش معلمان آینده‌نگر برای فرادهای مدارس نیاز دارد.

● تشویق دستیاران معلمان به منظور تمرکز بر چالش‌های پیش‌روی تربیت بدنی دوره‌های پیش‌دبستانی تا دبیرستانی.

● هیأت علمی به نکات زیر توجه کنند:

- برقراری ارتباط و همکاری با سایر متخصصان در حوزه‌های مربوط با آشنا شدن با محتوای علمی پایه، به طوری که بتوانیم، به معلم آینده‌نگر محتوای ضروری و پایه را به‌منظور آموزش موضوعات یکپارچه ارائه بدهیم.

● افزایش دانش معلمان آینده‌نگر درخصوص تعلیم و تربیت و کمک به آنان در کسب تجارب کافی در زمینه‌ی تهیه‌ی برنامه‌ی درسی یکپارچه برای دانش‌آموزانی که کنجکاو، جویای فهم بیشتر، و چالشگر هستند.

● طراحی مجدد برنامه‌های تخصصی و حرفه‌ای به‌منظور اطمینان از کیفیت بالای آن‌ها و دسترسی به آن‌ها.

● اجرای دوره‌های آموزشی مشترک در زمینه‌ی «برنامه درسی» برای معلمان و اعضای هیأت علمی.

● اجرای برنامه‌های درسی یکپارچه در مدارس هم‌جوار به‌منظور ایجاد فرصت برای مشاهده‌ی نحوه‌ی اجرای برنامه‌های مشابه برای معلمان آینده‌نگر.

چند پرسش

آیا برنامه‌ی درسی یکپارچه و گرایش به آن، راهی برای برقراری صحت و درستی برنامه‌های تربیت بدنی در مدارس دولتی است؟ آیا برنامه‌های درسی یکپارچه، فرصت‌هایی را در درس تربیت بدنی برای ارتباط بچه‌ها با مسائل زندگی به وجود می‌آورند؟ آیا ما می‌توانیم نمونه‌هایی از این برنامه‌های درسی را ارائه کنیم؟ آیا می‌دانیم که در تدوین این برنامه‌ها چه اهدافی را باید مد نظر قرار دهیم و معلمان و دانش‌آموزان باید دارای چه سطحی از تجربه برای اجرای این برنامه‌ها باشند؟ چه دانش‌ها و مهارت‌هایی از اجرای یک برنامه‌ی درسی یکپارچه حاصل می‌شود؟ ارزش‌یابی این‌گونه برنامه‌های درسی چگونه است؟

تحقیقات اندکی درباره‌ی این سؤالات انجام گرفته است. معلمان

منابع

1. JUDITH. H PLACEK, MARY O'SULLIVAN, "The Many Faces of Integrated Physical Education" JOPERD, vol. 68 No. 1. January 1997.
2. Beane, J. (1990). A middle school curriculum: From rhetoric to reality. Columbus, OH: National Middle school Hssociation.
3. Carr. N. J. (Ed.) (1991). Basic stuff series II. Reston, A: AAHPERD.
4. Criffin, L, L. (1996). Improving net/ wall game Performance. JOPERD, 67 (2). 34-37.
5. Hellison, D. (1995). Teaching responsibility through Physical activity. champaign, II. Human Kinetics.

پی‌نویس

1. Target heart rate
2. Adventure Education
3. Joperd